

بازرگانی خارجی (بدون نفت)

اشاره:

رهایی از وابستگی به اقتصاد مستکی بر نفت از اهداف اولیه انقلاب اسلامی ایران می باشد. متأسفانه با بررسی تجارت خارجی ایران شاهد وابستگی روزافزون به درآمدهای نفتی برای تأمین واردات کشور در رژیم گذشته هستیم که بالتبع اثرات آن در زمان حاضر نیز به عیان مشاهده میشود. سیاستهای غلط و مغرضانه شاه در خصوص بازرگانی خارجی موجب گردید که همراه با ترقی قابل ملاحظه دریافتهای نفتی، تسهیلات بیشتری در زمینه واردات فراهم آید، و با شعار فریبنده صنعتی شدن کشور (که نتیجه آن گسترش صنایع مونتاژ در خدمت

امپریالیستها بود) توجهی بر تولیدات اساسی در داخل کشور نشده و بخصوص موجب انحطاط بخش کشاورزی گردد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همانطور که در بالا نیز بیان شد، تحولی نو و بنیادی برای سالم سازی ساختار اقتصادی کشور امری ضروری تشخیص داده شد. از جمله سیاستهای نوین جمهوری اسلامی مسئله تأمین ارز کشور بدون تکیه بر درآمدهای نفتی است. با توجه به مطالب بیان شده بر آن شدیم تا گزارشی در خصوص بررسی مسائل و مشکلات بازرگانی خارجی و ضرورت تغییر آن ارائه دهیم. لذا در مقاله حاضر ابتدا به وضعیت نامطلوب

بازرگانی خارجی پرداخته و بعد از آن وضعیت موجود صادرات غیر نفتی به تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی بررسی گردیده و با بیان امکانات بالقوه صادراتی اینگونه محصولات شاهد عدم توجه لازم و کافی به این بخش هستیم. هر چند که در دوره بعد از انقلاب همراه با کاهش قیمت نفت، توجه بیشتری به صادرات غیر نفتی مبدول گردید ولی در قیاس با امکانات بالقوه بسیار ناچیز است.

در پایان نیز به ارزیابی توسعه صادرات غیر نفتی ویا تولید کالاهای جانشین واردات می پردازیم به این امید که شاید بتوان گامی در جهت حل این مشکل اقتصادی برداریم. انشاء ...

فزونی یافت.

در ضمن در سالهای ۲۰-۱۳۱۸ دولت طی چند تصویبنامه کالاهای وارداتی را به سه طبقه تقسیم کرد و مقرر داشت برای هر طبقه به میزانی که صلاح بود گواهینامه فروش ارز صادر شود، بدین ترتیب که برای ورود کالاهای طبقه یک که ضروری است گواهینامه فروش ارز مطالبه نشود و برای ورود کالاهای طبقه دو و سه معادل ۵۰ درصد گواهینامه مطالبه گردد. این موضوع موجب تشویق صادرات در طی سالهای مزبور (۲۰-۱۳۱۸) گردید که شاهد مثبت بودن تراز پرداختها در این سالها هستیم (جدول شماره یک).

جدول شماره ۱

آمار بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۲۰-۱۳۱۰ (واحد: میلیون ریال)

سال	واردات	صادرات غیر نفتی	موازنه ارزی
۱۳۱۰	۶۳۱	۸۱۷	+
۱۳۱۴	۸۰۴	۶۵۹	-
۱۳۱۵	۸۶۶	۶۸۹	-
۱۳۱۶	۹۷۰	۶۸۲	-
۱۳۱۷	۵۶۲	۳۷۰	-
۱۳۱۸	۶۱۲	۸۲۲	+
۱۳۱۹	۸۶۵	۹۴۰	+
۱۳۲۰	۶۱۴	۸۲۶	+

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی گمرک ایران طی سالهای مختلف

نخستین آمار گمرکی قابل اعتماد در زمان حکومت رضاخان به سال ۱۳۱۰ که سال تاسیس اداره کل تجارت است بر می گردد، بطوریکه نشان دهنده موازنه مثبت در بازرگانی خارجی است، چنانکه آمار در مقابل ۶۳۱ میلیون ریال واردات، ۷۱۸ میلیون ریال صادرات را نشان می دهد. البته این مقدار، صادرات مواد نفتی را در بر نمی گیرد. سپس در سالهای ۱۸-۱۳۱۴ به دلیل ورود

● اقتصاد ایران در گذشته دارای بخشهای سوزون بوده و رشد بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات آن در ارتباط متقابل با یکدیگر صورت می گرفت، لذا تجارت خارجی نقش حاشیه ای را ایفا می کرد.

کارخانجاتی مانند قند و شکر، نساجی و سیمان و... این موازنه باختلاف فاحش منفی می گردد و مجدداً در سالهای ۲۰-۱۳۱۸ مثبت میشود. البته این نکته قابل ذکر است که با افزایش درآمد ارزی ایران پس از سالهای ۱۳۱۲ که قرارداد نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد و امتیازدار سی ظاهراً به کنار گذاشته شد (این افزایش درآمد ناشی از افزایش صادرات نفت و افزایش اندکی در بهای هربشکه نفت بود) واردات ایران چند سال پیاپی تا سال ۱۳۱۹ از نظر وزنی و ارزشی

بخش بازرگانی خارجی به عنوان یکی از بخشهای اقتصاد کشور، تأمین آن قسمت از نیازهایی را که فراهم کردن آن از طریق تولیدات داخلی امکان پذیر نیست، عهده دار است. اینکار از طریق واردات کالا و خدمات انجام می گیرد و ارز آن منطقیاً باید از طریق صدور کالاهایی که تولید آنها بیش از نیاز داخلی است، تأمین گردد به این ترتیب توسعه این بخش، لزوماً باید همراه با توسعه دیگر بخشهای اقتصادی و نیازهایی آنها باشد.

اقتصاد ایران در گذشته دارای بخشهای موزون بوده و رشد بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات آن در ارتباط متقابل با یکدیگر صورت می گرفت، لذا تجارت خارجی نقش حاشیه ای را ایفا می کرد. همراه با رشد سرمایه داری در اروپا و تسلط آن بر اقتصاد جهان و تحمیل تقسیم بین المللی کار در کشورهای جهان سوم، در ایران نیز تجارت خارجی نقش اساسی را در اقتصاد کشور به عهده گرفت. رشد سرمایه داری وابسته که از سال ۱۲۹۹ با کودتای انگلیسی رضاخان آغاز و با کودتای آمریکایی ۱۳۳۲ تشدید گردید و با افزایش درآمد نفت در سال ۱۳۵۳ تعمیق یافت، موجب گردید تا شکاف بین تقاضا و تولید آنچنان عمیق شود که اقتصاد داخلی قادر به تأمین نیازهای موجود نبوده و فروش مواد اولیه به عنوان ساده ترین شیوه تأمین ارز مورد نیاز توصیه گردد. با بررسی بازرگانی خارجی ایران شاهد عدم توازن بین واردات و صادرات غیر نفتی و افزایش شکاف بین این دو، به نفع صادرات مواد اولیه هستیم.



دولت وقت بدون توجه به مسائل اساسی و بنیادی جهت تخفیف تورم و بعوض رفع مشکل عدم تعادل بین عرضه و تقاضای مؤثر که تورم شدید اقتصادی را در جامعه بوجود آورده بود، سیاستهای تعدیل فشارهای تورمی را در جهت مبارزه با آثار تورم و پائین آوردن هزینه‌های زندگی به اجرا درآورد، لذا با استفاده از روش کوتاه مدت افزایش سریع واردات آنهم عمدتاً کالاهای مصرفی بعوض افزایش تولید یا کاهش تقاضا، وابستگی کشور را به خارج بیش از پیش فراهم کرد. در جهت اجرای این سیاست امکانات و تسهیلات وسیعی جهت واردات ایجاد شد که موجب افزایش عدم توازن بیشتر بین واردات و صادرات گردید که این روند تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. در سال ۱۳۵۷ صادرات و واردات هر دو کاهش یافتند که علت آن را می‌توان ناشی از اعتصابات پی در پی کارکنان دولت منجمه گمرکات و سایر مراکز خدماتی دانست البته عوامل دیگر مانند فرار سرمایه‌داران و خارجیانی که عهده دار اجرای طرحهای عمرانی و تولیدی بودند نیز تأثیر بسیاری در این کاهش داشته است.

با بررسی جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنیم که صادرات غیرنفتی کشور در طول سالهای ۵۷-۱۳۴۷ بسیار شد متوسط ۸ درصد روبرو بوده در حالیکه در همین زمان واردات کشور حدود ۱۷ در صد یعنی رشدی بیش از ۲ برابر صادرات داشته است.

جدول شماره ۲- آمار بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۳۹-۱۳۳۰ (واحد: میلیون ریال)

سال	واردات	صادرات غیرنفتی	موازنه ارزشی
۱۳۳۰	۷/۰۱۱	۴/۳۹۱	-۲/۶۲۰
۱۳۳۱	۵/۰۳۱	۵/۸۳۲	+۸۰۱
۱۳۳۳	۷/۴۲۵	۱۰/۲۸۸	+۲/۸۶۳
۱۳۳۴	۹/۱۲۵	۸/۰۳۴	-۱/۰۹۱
۱۳۳۷	۳۳/۴۵۸	۷/۹۴۱	-۲۵/۵۱۷
۱۳۳۹	۵۲/۶۵۷	۸/۳۵۹	-۴۴/۲۹۸

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی گمرک ایران طی سالهای مختلف

سال تا ۱۳۵۰ همه ساله حجم و ارزش واردات نسبت به صادرات افزایش یافت. علاوه بر آن مهاجرت جمع کثیری از روستائیان به شهرها به امید جذب شدن در بخش صنایع و دستیابی به شغل‌های پردرآمدتر، جدا شدن روستائیان از دهات و افزایش جمعیت شهرها را به همراه داشت که خود زمینه مصرف را روز بروز افزایش می‌داد، و بدین ترتیب شاهد موازنه منفی بین صادرات و واردات هستیم

پس از نیمه دوم سال ۱۳۵۲، افزایش بهای نفت، قدرت و امکانات مالی وسیعی برای دولت وقت بوجود آورد و رشد سریع هزینه‌های دولتی بدون توجه به ظرفیت و امکانات اقتصادی کشور موجب بروز فشار و گرایشهای تورمی گردید.

در سالهای پس از جنگ با وجود آنکه همه کشورها مقررات شدیدی را در امر نظارت‌های بازرگانی اعمال می‌کردند، در ایران سیاست آزادی بازرگانی برقرار بود و ذخایر ارزی در جهت ورود کالاهای تجملی و غیر ضروری مصرف می‌گردید. سپس در سالهای ملی شدن صنعت نفت و مبارزات مردم ایران و روحیه صدمت با مصرف کالاهای بیگانه که در جامعه رواج یافته بود، مجدداً تراز بازرگانی خارجی کشور در سالهای ۳۳-۱۳۳۱ به نحو محسوسی مثبت گردید. پس از کودتای آمریکایی طی سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ این موازنه بشدت تغییر کرده و منفی شد. در طی این سالها به علت انعقاد قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۲ که موجب افزایش درآمدهای نفتی شد، واردات افزایش چشمگیری را نشان میدهد، البته در این دوران علاوه بر صادرات نفت، کمکهای مالی آمریکا و اخذ وام از مؤسسات بین‌المللی مجموعاً منابع ارزی جدیدی را برای کشور ایجاد کرد که خود عامل مؤثری در افزایش میزان واردات بود. (جدول شماره ۲)

بعد از سالهای ۱۳۴۱، همزمان با انقلاب اصطلاح سفید شاهانه، شعار فریبنده جهت‌گیری صنعتی در دستور کار مجریان طرح آمریکا قرار گرفت. این طرح ایجاد صنایع پونتاژ و نابودی بخش کشاورزی را به همراه داشت و برای بکار افتادن این صنایع نیاز به واردات مواد اولیه الزامی بود، لذا بعد از آن



جدول شماره ۳:
آمار بازرگانی خارجی ایران طی سالهای
۱۳۴۰-۵۷
(واحد: میلیون ریال)

سال	واردات	صادرات غیرنفتی	موازنه ارزشی
۱۳۴۰	۴۷/۱۷۱	۹/۵۹۳	-۳۷/۵۷۸
۱۳۴۲	۳۹/۲۸۲	۹/۶۱۷	-۲۹/۶۶۵
۱۳۴۴	۶۶/۵۱۸	۱۳/۵۸۶	-۵۲/۹۳۲
۱۳۴۷	۱۰۶/۷۲۴	۱۶/۲۸۶	-۹۰/۴۳۸
۱۳۴۹	۱۲۸/۲۶۰	۲۱/۱۹۲	-۱۰۱/۰۶۸
۱۳۵۱	۱۹۳/۶۵۱	۳۳/۸۶۲	-۱۵۹/۷۸۹
۱۳۵۳	۴۴۸/۱۷۵	۳۹/۲۴۸	-۲۰۸/۸۲۷
۱۳۵۵	۹۰/۱۷۶	۳۸/۰۰۱	-۸۶۳/۷۶۰
۱۳۵۶	۱۷۰/۳۴/۲۱۱	۴۴/۰۵۲	-۹۹۰/۱۵۹
۱۳۵۷	۷۳۲/۲۹۳	۳۸/۱۸۶	-۶۹۴/۱۰۷

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی گمرک ایران طی
سالهای مختلف

با پیروزی انقلاب اسلامی، تجدید نظر اساسی

در مورد اهداف و سیاستهای بازرگانی خارجی کشور در جهت کاهش اتکا و وابستگی به خارج، انجام گرفت. بدین منظور مقررات صادرات و واردات گمرکی کشور در جهت تجدید ورود کالاهای لوکس و غیر ضروری و تسهیل واردات مواد اولیه مورد نیاز صنایع و کالاهای اساسی تنظیم گردید، که این امر موجب کاهش واردات در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال قبل گردید. در سال ۵۹ به علت بروز جنگ تحمیلی و محدودیت ارزی واردات کالاهای اساسی از لحاظ وزنی کاهش پیدا کرد، ولی در مقابل به علت تحریم اقتصادی از جانب بعضی از کشورهای اروپایی و آمریکا و عدم امکان خرید بطور مستقیم و رجوع به بازارهای واسطه، قیمت خرید کالاهای وارداتی بشدت افزایش یافت که با وجود کاهش وزن آن، ارزشش نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرد. در مجموع در سالهای پس از انقلاب در اثر تداوم الگوی مصرف و عدم تغییر ساختار اقتصادی، واردات ایران جز در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹- که علت آن توضیح داده شد- افزایش داشته است.

از طرف دیگر، میزان صادرات غیرنفتی که میبایست تأمین کننده عمده ارز کالاهای وارداتی باشد پس از انقلاب بطور مستمر تا

● در سالهای پس از جنگ با وجود آنکه همه کشورها مقررات شدیدی را در امر نظارتهای بازرگانی اعمال میکردند، در ایران سیاست آزادی بازرگانی برقرار بود و ذخایر ارزی در جهت ورود کالاهای تجملی و غیر ضروری مصرف میگردید.

● در سالهای ملی شدن صنعت نفت و مبارزات مردم ایران و رواج روحیه ضدیت با مصرف کالاهای بیگانه در جامعه، مجدداً تراز بازرگانی خارجی کشور به نحو محسوسی مثبت گردید. اما پس از کودتای آمریکایی طی سالهای ۳۹-۱۳۳۴ موازنه به شدت تغییر کرده و منفی شد.

جدول شماره ۴- آمار بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۶۳- ۱۳۵۸

موازنه ارزش	صادرات غیر نفتی		واردات		سال
	ارزش (میلیون ریال)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	وزن (هزار تن)	
-۶۲۷/۳۸۲	۵۷/۱۰۹	۵۷۹	۶۸۴/۴۹۱	۱۰/۳۷۰	۱۳۵۸
-۷۳۰/۸۹۱	۴۵/۹۵۰	۱۲۹	۷۷۶/۸۴۱	۹/۷۳۴	۱۳۵۹
-۱/۰۵۴/۹۲۲	۲۷/۰۲۹	۱۵۴	۱/۰۸۱/۹۵۱	۱۳/۹۵۲	۱۳۶۰
-۹۷۸/۷۸۲	۲۳/۸۸۰	۱۶۲	۱/۰۰۲/۶۶۲	۱۵/۰۰۴	۱۳۶۱
-۱/۵۵۱/۷۰۱	۳۱/۰۱۸	۲۳۱	۱/۵۸۲/۷۱۹	۲۰/۱۹۶	۱۳۶۲
-۱/۳۰۰/۶۳۲	۳۳/۰۴۱	۲۶۹	۱/۳۳۲/۶۷۳	۱۶/۱۷۸	۱۳۶۳

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی گمرک ایران

سال ۱۳۶۱ کاسته شده و در نتیجه مسوازه تجاری کالا نامتوازن تر گردید، و در نتیجه سهم صادرات غیر نفتی در تأمین واردات کمتر و وابستگی به درآمد نفت بیشتر شد. همانطور که در جدول ۴ نیز مشاهده میشود، در سال ۶۱ صادرات غیر نفتی کشور از نظر ارزش کمتر از نصف میزان آن در سال ۱۳۵۹ و از نظر وزنی به کمتر از یک سوم آن در سال ۱۳۵۸ کاهش یافته است. علت کاهش صادرات را می توان ناشی از مشکلات تولید، افزایش قیمت تمام شده کالاهای تولید شده در داخل و عدم رقابت با کالاهای دیگر، افزایش تقاضای داخلی (واقعی و یا کاذب) و وجود رقیب در سطح جهانی دانست؛ با توجه به مطالب یاد شده در خصوص صادرات و واردات بعد از انقلاب شاهد افزایش شکاف بین این دو هستیم. بعد از سال ۱۳۶۱، میزان صادرات غیر نفتی افزایش یافت، ولی به علت بالا بودن میزان واردات، در موازنه بازرگانی تغییر چندانی حاصل نگردید. (جدول شماره ۴)

همانطور که بیان شد صادرات غیر نفتی در بازرگانی خارجی نقش حساسی نداشته است، بخصوص بعد از سالهایی که درآمد

وسال بسال از اهمیت آن کاسته شده است. ولی بعد از انقلاب با توجه به سیاستهای جمهوری اسلامی ایران دال بر عدم تکیه به درآمدهای نفت، توجه بیشتری به صادرات غیر نفتی اختصاص پیدا کرد و با کاهش قیمتهای نفتی، سهم آن در کل صادرات افزایش پیدا کرد.

نفت افزایش یافت، صدور نفت رل اصلی را ایفا می کرد. طبق آمارهای برآورده شده گمرک ایران، سهم صادرات غیر نفتی نسبت به کل صادرات (نفتی و غیر نفتی) بطور متوسط از ۱۵ درصد تجاوز نکرده و همواره با رشد صادرات نفت در رژیم گذشته، سیر انحطاطی را طی کرده

